

سریال بازی مرکب از جمله مجموعه‌های تلویزیونی بود که در سراسر جهان با استقبال قابل توجه مخاطبان روبرو شد از نظر شما دلیل اصلی این توجه و اقبال عمومی چه بوده است؟

داستان سریال بازی مرکب در درجه نخست قصه جذاب و سرگرم‌کننده‌ای داشت که می‌توانست مخاطب مختلف از سراسر جهان را به خود جلب کند مضافاً اینکه الگو بازی‌های کامپیوتری به نظر می‌رسد الگوی جذابی برای آثار سینمایی و تلویزیونی به شمار می‌رود این مدل بازی‌ها که در صورت پیروزی در یک بازی موفقیت در آن به مر حله بعد و بالاتر صعود می‌کنی می‌تواند دستمایه خوبی برای آثار سینمایی و تقویت وجهه سرگرم‌کنندگی آن باشد. از این گذشته لجستیک فیلم و امکانات سخت افزاری از جمله دکور، شرایط بازی بازبگرا و... به باور پذیر و ارتباط بیشتر سریال با مخاطبان کمک زیادی کرد.

به عنوان سوال آخر پیش‌بینی‌تان از برندگان اسکار ۲۰۲۲ چیست؟

پیش‌بینی اسکار با توجه به المان‌های مختلفی که در آن دخیل است کار آسانی نیست اما بعید می‌دانم توفیقانی که فیلم قدرت سگ در گلدن گلوب کسب کرده در مراسم اسکار تکرار شود. قدرت سگ فیلمی خاص با ریتمی کند و برآشفته‌کننده است که نه تنها هالیوودی نیست بلکه جزو آثار سخت سینمای آمریکا است که می‌تواند تداعی‌گر آثار هنری سینمای اروپا باشد. امسال هر چقدر فیلمسازان اروپایی فیلم‌های سبک‌بار و سرگرم‌کننده ساخته بودند، چند فیلمساز آمریکایی از جمله جین کمپیون در فیلم قدرت سگ،... در فیلم گزارش فرانسوی The French Dispatch و... در فیلم کامان کامان C'mon C'mon آثار هنری تر و سخت‌تری را تولید کردند. در هر حال به نظر می‌رسد فیلم وست ساید استوری West Side Story اسپیلبرگ شانس بیشتری برای تصاحب اسکار داشته باشد اما ممکن است مانند سال ۲۰۱۹ که فیلم پارازیت برنده اسکار شد امسال نیز فیلم ژاپنی ماشین‌مرا بران Drive My Car برنده بهترین فیلم اسکار شود.



انتخاب شود ولی شانس زیادی برای تصاحب اسکار برای فرهادی وجود ندارد چرا که رقاباتی چون ماشین‌مرا بران Drive My Car اثر هاماچی و کوپه شماره ۶ Compartment No ۶ مختصاً بیشتر و کامل‌تری را برای کسب این جایزه از خود نشان دادند با این وجود نامزدی قهرمان در گلدن گلوب و جایزه بزرگ هیئت داوران کن شاهد اصلی کیفیت بین‌المللی قهرمان و موفقیت دیگری برای اصغر فرهادی است.

در سال جاری شاهد حضور فیلمسازان مطرح چون استیون اسپیلبرگ، ریڈلی اسکات، جونل کونن و... بودیم عملکرد این بزرگان سینما را چطور دیدید؟ از سوی دیگر هر ساله تعداد زیادی فیلم مهجور و فیلمساز ناشناخته در جهان معرفی می‌شود که در پروسه نمایش و عرضه بین‌المللی معمولاً مغفول واقع می‌شوند، در این طیف چه فیلمسازها و فیلم‌هایی را می‌تواند معرفی کنید؟

در میان فیلمسازان شناخته شده کار ریڈلی اسکات اثری محکم و دقیق بود و فیلم آنت از لئو کاراکس را پسندیدم. به طور کلی امسال فیلم خوب که امتیاز ۷ یا ۸ از ۱۰ نمره بگیرد زیاد بودند اما فیلم شاهکار نداشتیم. سال ۲۰۲۰ نیز روندی مشابه امسال بود در حالیکه در سال ۲۰۱۹ فیلم‌های پارازیت Parasite، روزگاری در هالیوود Once Upon A Time In Hollywood مرد ایرلندی The Irishman، داستان ازدواج Marriage Story، فیلم‌های جریان‌ساز و بسیار مهمی بود که امتیاز بالای ۹ دریافت کردند. توضیح اینکه فیلم پیتزا شیرین Licorice Pizza از پل توماس اندرسون را هنوز ندیدم.



سگ The Power of the Dog، مت دیمون و جودی کامر در لس‌آنجلس در میان بازیگران امسال قابل توجه بوده، همچنین بازی رنت رینز Renate Reinsve بازیگر فیلم اروپایی بدترین آدم روی زمین The Worst Person in the World نیز از نظر من بازی قدرتمند و قابل توجهی بود. در کل، بهترین بازی مرد در سال جاری از نظر من بازی امیر جدیدی در فیلم قهرمان اصغر فرهادی بود.

حالا که به قهرمان و فیلم اصغر فرهادی رسیدیم. نظر تون درباره این فیلم چیست، جایگاه این فیلم در کارنامه فرهادی را چطور ارزیابی می‌کنید و شانس قهرمان را در تصاحب سومین اسکار برای اصغر فرهادی چقدر می‌دانید؟

در قهرمان از آن ساختار مکانیکی و آتشین و در عین حال تصنعی عناصر درام که در فروش‌سنده دیده بودیم خبری نیست. اینجا همه چی از همان ابتدا عاقدانه متزلزل است. لغزان نرم و منعطف است؛ شیرازی است. درام بر مبنای سو تفاهات کلامی و لغزش‌های کوچک رفتاری شکل می‌گیرد. داستان بر روی سر خوردن‌های زبانی می‌چرخد. سو تفاهات و سوءفهم‌ها. البته کلنجار فرهادی با مفهوم ایرانی بودن. حتی ساختارهای حکومتی نمایش داده شده در فیلم در همین مفهوم رفتار ایرانی معنی می‌شوند و خب عصبانی می‌شوی از اینکه چرا داستان و درام باید روی این لغزش‌های زبانی و رفتاری بچرخد؟ نمی‌شد شخصیت‌ها حرف همدیگر را بهتر بفهمند؟ نمی‌شد عاقدانه‌تر رفتار کنند؟ (مثلاً در رسید گرفتن از صاحب سکه‌ها) نمی‌شد این قدر ریسک نکنند؟ و در میان این عصبانیت پادت می‌آید که بیشتر گرفتاری‌های ما در زندگی عادی از همین نوع است. حاصل لغزش کلام و بدفهمی و گاه کم عقلی و خب حیرت می‌کنی از تیپ‌شناسی فرهادی، شخصیت در چه یک تنابنده و دخترش سارینا فرهادی. قهرمان یک فیلم اصغر فرهادی است. بخته و پر از جزئیات تصویری و کلامی. با همان مهارت حیرت‌انگیزش در القای شرایط محیطی، محله، خانه و صداها. و همچون یک فیلم سینمای فرهادی وظیفه آزار تماشاگر را به بهترین وجه انجام می‌دهد. تا آنجا که در پایان بندی بسیار زیبای فیلم وقتی دوربین را روی روشنایی نگاه می‌دارد و نمی‌چرخد به سمت در بسته.

درباره شانس فرهادی برای تصاحب اسکار به نظر می‌رسد قهرمان به احتمال زیاد جزو کاندیدای بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان

